

## در آستانه ی بزرگداشت صدمین سالزاد داکتر محمودی فقید



### جاویدان یاد داکتر عبدالرحمن محمودی

خوانندگان ارجمند سایت گفتمان دموکراسی !

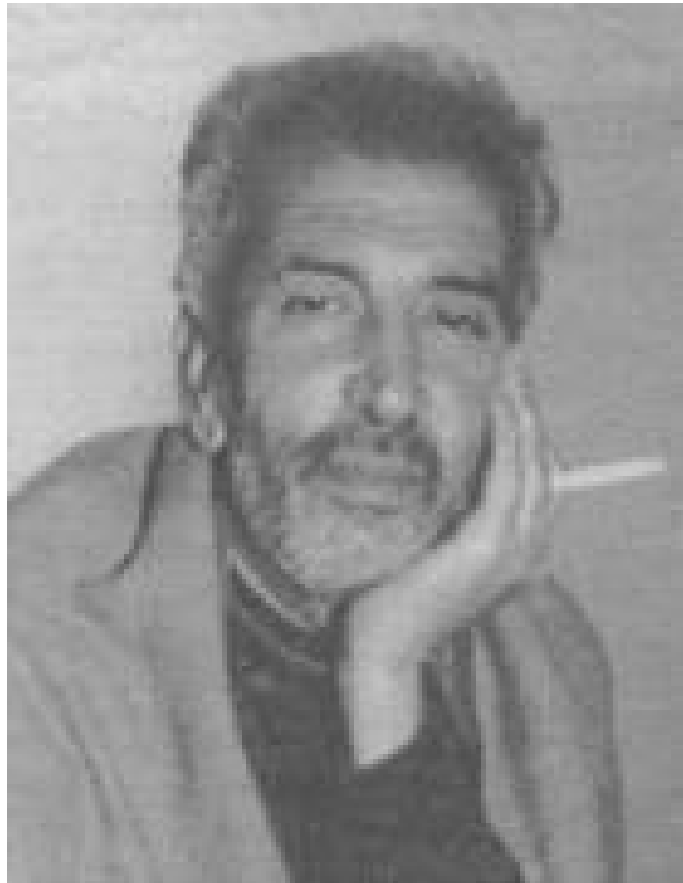
«چهره های آشنا» تلویزیون «نور» در آستانه صدمین سال زاد پیشوای جنبش مشروطیت و دموکراسی داکتر عبدالرحمن محمودی برنامه ای اجرا نمود. به همین مناسبت از بزرگانی دعوت بعمل آورد تا در مقام با عظمت آن فداکار نستوه صحبت نمایند که البته مورد دلچسپی بینندگان برنامه قرار گرفت. نظر به تقاضای عده ی زیادی از علاقمند آن مرحوم در اروپابخشی از این برنامه به سایت وزین شماجهت نشر ارسال گردید

قبل از سخنرانی و صحبت مهمانان ارجمند گوشه ای از زندگی نامه آن بزرگ مرد از جانب گرداننده برنامه «چهره های آشنا» پیشکش گردید:

(دکتر محمودی فقید فرزند مولوی محمود در سال 1288 خورشیدی در بارانه این کهن دیر قهرمان پرور و یاد اور رویای شیرین کابل قدیم چشم به جهان گشود. تحصیلات خود را در لیسه حبیبیه به پایان رسانید، سپس شامل دانشکده دانشگاه کابل شد، ایشان از جمله ی اولین دوره فارغ تحصیلان دانشکده طب کابل میباشند. بعد از فراغت مسولیت دیپارتمنت عقلی و عصبی بیمارستان علی آباد بعده داشت و استاد دانشگاه بودند. در جامعه ای که تحقیر، تبعیض ظلم، استبداد و بیعدالتی مسلط باشد. لاجرم بزگردان و پیشوایانی بدفاع از حق حاکمیت مردم از عدالت، آزادی از بطن جامعه سر برون میکنند و پیشا پیش جنبش حق و عدالت قرار میگیرند. محمودی فقید که از عنفوان جوانی ظلم و تعدی حکومتداران و ستمکاران را با تمام جان خود در ک کرده بود مردانه وار به پیکار بی امان بپا برخاست و در راه احقاق حقوق مردم تا پای جان درفش جنبش مقاومت و آزادگی

را در کشور برافراشته نگهداشت ده سال زندان با مشقت را پذیرا شد ولی تا واپسین رمق از پا نایستاد و شرافتمندانه مرگ را پذیرا شد. روحش شاد باد..

خوانندگان ارجمند ما در قسمت دیگر برنامه از استاد سخن جناب واصف باختری خواهش نمودیم در باره مقام معنوی پیشوای سترگ مردم صحبت نمایند  
- سلام خدمت استاد محترم، شما اکنون بر روی خط هستید بفرمایید صحبت کنید  
- سلامت باشید آقای مدنی چند سخن در باره آن مرد بزرگ خدمت بیننده های تلویزیون شما بعرض میرسانم.



### واصف باختری

در عرصه ی کار و پیکار سیاسی، اجتماعی جاویدان یاد داکتر عبدالرحمن محمودی بی گمان از تابناکترین سیماهای تاریخ ماست که هیچگاه تن به سازش نداد و از تحدید نهراسید و سکه ی طمع را با شدت هرچه تمامتر بر جبین فرمانروایان بیدادگر کوبید. آن بزرگ مرد با پایه گذاری حزب خلق و انتشار جریده ندای خلق در آخر سالهای دهه ء بیست قرن خورشیدی البته به همیاری و همکاری گروهی از هم نیردان خویش تا آنجا که البته اوضاع و احوال سیاسی آن مرحله از تاریخ مجال می داد به افشای ماهیت دولت بر سر اقتدار وقت پرداخت و نیز سطح آگاهی عده ای زیادی از روشنفکران و طیف وسیعی از مردم افغانستان را ارتقاء بخشید. جاویدان یاد داکتر محمودی نبض پر طپش پیکر، پیکار سیاسی در آن مرحله از تاریخ بود. او از آن شمار و سنخ روشنفکرانی بود که بقول (فانون) تاریخ چشم در راه اینست که کی از گریبان جامعه سر بر در میکند. البته شما میدانید و عده ای از بینندگان این سخن (فانون) را تأیید میکنند و سیمای بزرگ داکتر محمودی در برابر نگاهان شان متجلی میشود. از خواندن و شنیدن چنین سخن البته در چند دههء اخیر قرن بیستم شماری از اندیشه وران جهان در باره سرشت و ماهیت روشنفکر و جنبش روشنفکری به تحقیق و پژوهش پرداخته اند گه جان پل ساتر، میشل فوکو، کاتب یاسین و هندیگر فکور در فرانسه و شمال افریقا و خاور میانه از این شمار هستند. ار میان اروپائی

ها فوکو را فعلا کنار می‌گذاریم و از شرق میانه و شرق نزدیک این دو تن آخر به این عقیده هستند که روشنفکر بخصوص روشنفکر جهان سوم،( البته باید یک حاشیه بگذاریم یا یک پرسش مطرح کنیم که آیا کار برد اصطلاح جهان سوم فعلا اعتباری دارد یا در جهان کنونی نمیتوانیم از جهان سوم صحبت کنیم و باید سیاستگران و جامعه شناسان و دانشمندان علم سیاست اصطلاح دیگری در این مورد وضع کنند). بهر حال وقتی که اینها چنین سخنانی را متذکر شده اند مسأله ئ جهان سوم به شدت مطرح بود. عقیده سارتر و کاتب یاسین و هندیگر چنین بود که : روشنفکر بخصوص روشنفکر جهان سوم باید بقدرت مسلح خویش باید( نه) بگوید و در برابر طرح های دولت های فاسد و بی کفایت و دست نشانده طرح علمی و بر خاسته از متن تاریخی، اجتماعی جامعه خود داشته باشد و برای بکرسی نشانند طرح خود باید با تمام ظرفیت روانی خود مبارزه کند . من تصور می کنم که زنده یاد داکتر محمودی تجسم کامل چنین روشنفکری بود. گذشته از اینها جناب روانشاد داکتر عبدالرحمن محمودی از دانشمندان و نویسندگان و فرهنگیان کشور ما بود و در عرصه فلسفه و جامعه شناسی و علم سیاست آثار گرانبهائی را نوشته و آثار گرانبهائی را ترجمه کرده . تسلط آن مرد بزرگ بر علوم طبیعی بر استواری استدلال های فلسفی او می افزاید ، او خارج از زندان محبس ولایت و زندان دهمزنگ البته دور از چشم گماشتگان دولت به نگاشتن و ترجمه این آثار پرداخته و حتی در زندان و بیرون از زندان شعر های هم سروده. یکی از بر جسته ترین ابعاد شخصیت علمی جاویدان یاد داکتر محمودی توجه او به مسأله ء وضع و ساختن معادل ها یا مطابق آنچه که امروز رایج شده در مقام ترم ، دانش واژه هاست که با دریغ فراوان در کشور ما کمتر کسی به این امر مهم توجه داشته و البته باید فضای مختنق سیاسی و استبداد فرهنگی را هم باید به حساب بیاوریم که دست و ذهن فرهنگیان ما را از پرداختن به این مسأله اجباراً باز داشته بود و گویا تا حال باز می دارد. نکته دیگری را البته یاد آور شد که پیکار بی امان زنده یاد داکتر محمودی بزرگ با استبداد و عقب گرایی در همان متن تاریخی که در آن، آن بزرگ مرد زنده بود و مبارزه می کرد و خواستها و شعار های آن مرحله از تاریخ با آنچه در دهه اول سده بیست یکم بر جهان ما مسلط شده تفاوت های را هم دارد. اکنون مقتضیات جهان سیمای دیگر به اندیشه و عمل مبارزان اجتماعی بخشیده است. اما برای یک لحظه نباید فراموش کرد که شاد روان عبدالرحمن محمودی از بانیان بزرگ و اصلی استبداد ستیزی، آرزوی تأمین عدالت اجتماعی، آزادی سیاسی و بسا آرزو های نجیبانه دیگر برای ملت افغانستان است.

سخن زیاد است اما برای اینکه من مجالی فرصت از دوستانی که در باره این شخصیت جلیل صحبت خواهند کرد نگیرم فقط به همین اکتفا می کنم که به تأنید فرمایش قبلی شما می گویم که ما در آستانه ء گذار صد سال از زاده شدن این شخصیت سترگ کشور خود داریم و سال آینده خورشیدی باید به نوع شکوهمند و شایسته ای از جایگاه والای سیاسی و علمی او بزرگداشت صورت بگیرد، از سوی مردم از سوی روشنفکران آزاده و بدون پیوند با دستگاہا.

گفته اند که بزرگان و فرزانهائی از نوع داکتر محمودی در حکم مشعل های تاریخ هستند و تاریخ ما اگر چنین کند و نا به هنجار حرکت می کند گویا ما ارزش این مشعل های تاریخ کشور خود را آنگونه که لازم است درک نکرده ایم . روان این مرد بزرگ این مبارز نستوه و این دانشمند بزرگ کشور را شاد می خواهم . تشکر.